

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتاب توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۰۹ نومبر ۲۰۱۱

## شیوه تولید سرمایه داری

مشخصات اساسی و عمومی شیوه تولید سرمایه داری عبارتند از:

- ۱- وجود توده عظیمی از مردم که از آنان سلب مالکیت شده است و از هر گونه مالکیت بر وسایل تولید محروم می باشند. این توده ها به جز نیروی کار خود هیچ وسیله امرار معاش دیگری ندارند. آنها برای تأمین مخارج زندگی خود، مجبورند نیروی کار خود را به صاحب وسایل تولید و سرمایه بفروشند، یعنی برای سرمایه دار و در خدمت او کار کنند.
- ۲- انباشت انبوه عظیمی از ثروت (ثروت مالی و وسایل تولید) در دست افراد معدودی است که به نام انباشت اولیه یاد می شود. این انباشت اولیه در طول تاریخ به صور مختلف از طریق مال اندوزی، تجارت استعماری، برده فروشی و... انجام گرفته است. در نتیجه، از یکطرف تولید کنندگان مستقیم از وسایل تولید جدا شدند و از سوی دیگر ثروت و وسایل تولید در دست عده قلیلی مجتمع گشت. این عده با به کار انداختن وسایل تولید خود و با خرید مواد اولیه و استخدام کارگر به سرمایه دار تبدیل شدند.
- ۳- تکامل نیرو های مؤله و رشد تکنالوجی که بدون آن بسط و گسترش تولید سرمایه داری پس از قرن ۱۶ در اروپا میسر نبود. نکات فوق، سه پیش شرط تولید سرمایه داری (آنطوری که در قرون ۱۷ و ۱۸ در اروپا به وجود آمد) می باشد.
- ۴- تبدیل نیروی کار به کالا: این امر نتیجه اجتناب ناپذیر سلب مالکیت از تولید کنندگان مستقیم (دهقانان و تولید کنندگان کوچک شهری) و سرازیر شدن آنها به سوی ارتش کار مزدوری است. همانطوری که می دانیم، نیروی کار یا توان کار مجموع امکانات جسمانی و معنوی انسان است که در جریان کار مصرف می شود و برای باز یافتن آن به مصرف مقدار معینی مواد غذائی... احتیاج است و تولید نیروی کار عبارت است از تولید مجموعه معینی از وسایل معیشتی برای نگاهداری و تجدید توان کار مصرف شده در پروسه کار. از جانب دیگر، در تعریف کالا آمده است که: کالا محصول کار انسان و شیئی مفیدی است که (یعنی شیئی

دارای ارزش مصرف) که تولید آن نه برای نیازمندی های تولید کننده بلکه برای مبادله (و بنابراین این مصرف دیگری) می باشد. نیروی کار نیز در سیستم سرمایه داری دارای سه خصوصیت می باشد. از یکسو نیروی کار تولید می شود یعنی برای باز یافتن آن به مقدار معینی کار احتیاج است و بنابراین در نیروی کار مقدار معینی کار تجسم یافته است، از سوی دیگر نیروی کار دارای ارزش مصرف است، زیرا برای تولید محصولاتمانند مواد اولیه، نیروی کار مصرف می شود و بالاخره کارگر نیروی کار خود را به سرمایه دار می فروشد و این شخص آن را در پروسه کار به مصرف می رساند. بنابراین در جامعه سرمایه داری، نیروی کار کارگر به یک کالا تبدیل می شود.

۵- اجتماعی شدن کار و پروسه تولید: در رژیم سرمایه داری، کار و تولید بیش از پیش شکل اجتماعی به خود می گیرند. اجتماعی شدن پروسه تولید یکی از خصوصیات اساسی شیوه تولید سرمایه داری است. در نتیجه به کار بردن ماشین آلات، تولیدات صنعتی در کارگاه های بزرگ، در مائوفاکتور و سپس در فابریکه ها متمرکز می شوند. به جای کارگاه های تک نفری، کارخانه هایی که همکاری صد ها نفر را ملزم می کردند، به وجود آمد. ابزار کار فردی به وسایل اجتماعی تولید یعنی به ابزاری که قابل استفاده تمام انسان ها هستند در می آیند. کار تولیدی به جای یک سلسله فعالیت های انفرادی به یک سلسله فعالیت های اجتماعی تبدیل می شود. کالا، محصول کار مشترک تعداد زیادی کارگر می باشد و باید از دست تک تک آنها بگذرد تا ساخته شود. لذا هیچ کارگری نمی تواند بگوید که کالای ساخته شده محصول کار فردی او است. تقسیم اجتماعی کار و تقسیم تولید اجتماعی رشد می کنند. بر تعداد شاخه های تولیدی در صنعت و کشاورزی و تجارت افزوده می شود. نظام مزدوری وابستگی شخصی زحمتگشان (وابستگی دهقان به زمین و ارباب) را از بین می برد و توده انبوهی به سوی شهر ها و مراکز صنعتی روی می آورند. تولید اجتماعی، تولید طبیعی و فردی را دگرگون می سازد. کارخانه هایی که با توسل به تکنیک ماشینی کالای خود را در مدت زمان کمتری می سازند تولیدات خود را ارزانتر و با کیفیتی بهتر از تولید کنندگان فردی عرضه می دارند. بدین ترتیب، تولید فردی نمی تواند با تولید اجتماعی (فابریکه ها) رقابت نماید و در نتیجه دچار شکست می گردد. از اینرو تولید اجتماعی سرمایه داری مجموع شیوه تولید قدیمی را دگرگون می سازد و نقش انقلابی و مهمی در مرحله ای از تکامل تاریخ ایفاء می نماید.

۶- رشد تقسیم تولید اجتماعی و وابستگی و هماهنگی بین شاخه های مختلف تولیدی: در رژیم سرمایه داری، نیرو های مؤلده (نیروی کار انسان، ابزار تولید و تکنیک) در سطح جامعه به میزان وسیعی بسط و گسترش می یابند. شاخه های مختلف مؤسسات تولیدی در صنعت و زراعت افزوده می شوند و بیش از پیش به یکدیگر وابسته می گردند. شاخه های منفرد صنعت و شاخه هایی که سابقاً کم و بیش به هم پیوسته و وابسته بودند، زنجیره ای از صنایعی به وجود می آورند که کاملاً به یکدیگر وابسته و پیوسته می گردند.

۷- استقرار مناسبات تکنیکی تولید سرمایه داری: در این مناسبات، کارگر به زائده ماشین تبدیل می شود و وحدت خود را با ابزار کار از دست می دهد. صاحبان وسایل تولید، بلکه بر پروسه تولید نیز کاملاً مسلط می شوند. کارگران پروسه تولید را در تصرف خود ندارند. سرمایه داران از طریق نمایندگان خود (یعنی کادر های فنی و انجینری، تکنوکرات ها و بوروکرات ها و سایر عاملین مدیریت سرمایه) پروسه تولید را از آغاز تا انجام اداره و رهبری می کنند و برنامه ریزی آن را بر عهده دارند. در اینجا سرمایه بر پروسه تولید کاملاً مسلط می گردد و به عبارت دیگر، پروسه تولید از سرمایه تبعیت می کند.

۸- استقرار مناسبات اجتماعی تولید سرمایه داری: این مناسبات بر مالکیت خصوصی صاحب سرمایه بر وسایل تولید، تبعیت کامل و واقعی کار از سرمایه و تصرف مازاد کار طبقه کارگر به وسیله سرمایه دار از طریق مکانیسم قانون اضافه ارزش، مبتنی می باشد. در شیوه تولید سرمایه داری، زحمتکش فاقده هر گونه مالکیت واقعی بر وسایل تولید اند. آنها نیروی کار خود را تنها در اختیار دارند یعنی تنها می توانند آزادانه آن را به فروش برسانند. سرمایه داران و نمایندگان و مجریان وی وسایل تولید را در تصرف و مالکیت تام و تمام خود دارند. در این سیستم، از لحاظ تیوریک، هیچ گونه ضرورتی برای اعمال اجبارات ماورای اقتصادی به منظور غضب مازاد تولید مؤلدين مستقیم موجود نیست. این مازاد تولید به وسیله خود مکانیسم استثمار اقتصاد سرمایه داری، یعنی قانون اساسی تولید ارزش اضافی و تحت عنوان "سود سرمایه" به جیب سرمایه دار می رود.

۹- هرج و مرج تولید: در جامعه سرمایه داری، تولید کالائی در ابعاد وسیع و عمیقی گسترش یافته و خصلت مسلط و عام می یابد. انگلس قوانین تولید کالائی را که موجب هرج و مرج در تولید اجتماعی می شود، چنین توضیح می دهد: "هر جامعه متکی به تولید کالائی دارای این ویژگی است که در آن تولید کنندگان تسلط بر مناسبات اجتماعی خود را از دست می دهند. هر کس به کمک وسایل تولیدی که تصادفاً در اختیار دارد و به خاطر نیاز خاص به مبادله، محصولات خود را تولید می کند. هیچ کس نمی داند چه مقدار از کالا هایش به بازار راه خواهد یافت، چه مقدار از آن اصلاً مورد نیاز است، هیچ کس نمی داند برای کالای خاصش تا چه حد نیاز واقعی موجود است، آیا مخارج آن را جبران خواهد کرد و اصولاً آیا قادر به فروش آن خواهد بود؟"<sup>۱</sup>

در جامعه سرمایه داری نه یک تولید و توزیع سازمان یافته بلکه هرج و مرج اقتصادی در تولید حاکم است. قانون رقابت میان سرمایه داران برای تحصیل سود فزون تر و انباشت هر چه بیشتر سرمایه به طور اجتناب ناپذیر به ورشکستگی و تجزیه تولید کنندگان کوچک، رواج بازم بیشتر هرج و مرج، بحران های اقتصادی منجر می گردد: "هر سرمایه دار (با هر سازمان سرمایه داری) بدون وابستگی به دیگران کالا تولید می کند. این تمام جامعه نیست که میزان و نوع احتیاجات خود را تعیین می کند بلکه این صاحبان کارخانه ها هستند که تنها با این حساب که سود بیشتری به دست آورند و رقباى خود را در بازار شکست دهند، کالا تولید می کنند. از اینرو، گاهی اتفاق می افتد که بیش از حد، کالا تولید می شود، اما بازاری برای فروش نیست... بحران به وجود می آید، فابریکه ها بسته می شوند و کارگران بیکار."<sup>۲</sup>

عامل دیگری که به هرج و مرج تولید دامن می زند، "چیزی درست متضاد با هرج و مرج، یعنی سازماندهی اجتماعی تولید در یکایک بخش های تولید است."<sup>۳</sup> به کمک این اهرم، مؤسسات سرمایه داری موفق می شوند با ایجاد یک تقسیم کار عقلانی در سطح واحد تولیدی (فابریکه)، با به کار انداختن ماشین ها، ابزار و تجهیزات تکامل یافته تر، کالا های خود را با هزینه تولید و به قیمت ارزانتر از مؤلدين کوچک و خرده پا به فروش برسانند، بدین ترتیب مؤسسات سرمایه داری و انحصاری بزرگی که بر این اساس به وجود می آیند، باعث ورشکستگی و تعطیل بسیاری از فابریکه ها و کارگاه های کوچک که به شیوه های کهن تولید وابسته اند، می گردند. مبارزه این سرمایه

<sup>۱</sup> - انگلس: "انٹی دورینگ"

<sup>۲</sup> - انگلس: "انٹی دورینگ"

<sup>۳</sup> - انگلس: "انٹی دورینگ"

داران برای غلبه بر رقبای خود و تسلط بر بازار ها از سطح ملی به سطح جهانی، از متروپول به مستعمرات کشانیده می شود. رقابت بین سرمایه داران به جنگ های تجارتي و غیره منجر می گردد. بالاخره صنعت بزرگ، انحصارات و ایجاد بازار بین المللی، مبارزه را جهانی می نماید و در عین حال به طور بی سابقه ای بر شدت آن می افزاید.

\*\*\*\*

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم